

مفوضات - سؤال از رجعت

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



سؤال از رجعت - مفوضات - اثر حضرت عبدالبهاء - بر

اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

سؤال

بیانی از مسأله رجعت نمائید

جواب

جمال مبارک در ایقان بیان این مطلب را مفصل و مشروح مرقوم فرموده‌اند بخوانید حقیقت این مسأله واضح و مشهود گردد . چون حال سؤال نمودید مختصر بیانی نیز میشود . عنوان این مسأله را از انجیل نمائیم در انجیل مصرح که چون یحیی بن زکریا ظاهر شد و مردم را بملکوت الله بشارت میداد ، از او پرسیدند که تو کیستی آیا مسیح موعودی ؟ فرمود: من مسیح نیستم . پس سؤال کردند ، آیا تو ایلیائی ؟ گفت : نیستم . از این بیان ثابت و محقق شد که حضرت یحیی بن زکریا ایلیای معهود نیستند ولی در یوم تجلی در جبل طابور حضرت مسیح تصریح فرمودند که یحیی بن زکریا ایلیای موعود بود . در فصل نهم آیه یازدهم از انجیل مرقس میفرماید : " پس از او استفسار کردند و گفتند چرا کاتبان میگویند که الیاس باید اول بیاید او در جواب ایشان گفت که الیاس البتّه اول میآید و همه چیز را اصلاح مینماید و چگونه در باره پسر انسان مکتوبست که میباید زحمت بسیار کشد و حقیر شمرده شود لکن بشما میگویم که الیاس هم آمد و با وی آنچه را خواستند کردند " . و در انجیل متی فصل هفدهم آیه سیزدهم میفرماید : " آنگاه شاگردان دریافتند که در باب یحییای تعمد دهند بایشان سخن میگفت " . حال از



ORIGINAL



AUDIO

یوحناى معمدان پرسیدند که آیا تو ایلیا هستی گفت نیستم و حال آنکه در انجیل میفرماید یوحناى معمدان نفس ایلیای موعود بود و مسیح نیز تصریح میفرماید . پس اگر حضرت یوحناى حضرت ایلیا بود چرا فرمود من ایلیا نیستم و اگر ایلیا نبود چگونه حضرت مسیح میفرماید که او ایلیا بود ؟ پس در این مقام نظر بشخصیت نیست نظر بحقیقت کمالست یعنی آن کمالاتی که در حضرت ایلیا بود آن کمالات بعینه در یوحناى معمدان تحقق داشت پس حضرت ایلیای موعود یوحناى معمدان بود اینجا نظر بذات نیست نظر بصفاتست . مثلاً پارسال گلی بود امسال هم گل آمده است من میگویم گل پارسال باز آمد حال مقصدم نیست که نفس آن گل بشخصیت خویش بعینه آمده است اما چون این گل بصفات آن گل پارسال است یعنی بهمان رائحه و لطافت و رنگ و شکل است لذا میگویند گل پارسال آمده و این گل آن گل است . بهار میآید میگوئیم باز بهار پارسال آمد بجهت آنکه آنچه که در بهار پارسال بود در این بهار نیز موجود اینست که حضرت مسیح میفرماید آنچه در زمان انبیای سلف واقع جمیع را خواهید دید . و بیان دیگر نمائیم دانه ای سال گذشته کاشته شد شاخه و برگ پیدا شد شکوفه و ثمر هویدا گشت نهایت باز دانه شد این دانه ثانى چون کشته گردد شجر روید باز آن ورق آن شکوفه آن شاخه و آن ثمر عود و رجعت نماید و آن شجر ظاهر شود چون اول دانه آخر هم دانه گوئیم که دانه رجوع کرده چون نظر بماده شجر نمائیم این ماده دیگر است و چون نظر بشکوفه و برگ و ثمر نمائیم همان رائحه و طعم و لطافت حاصل است پس آن کمال شجرى دوباره عود نمود . بهمچنین چون نظر بشخص کنیم شخص دیگر و چون نظر بصفات و کمال کنیم همان صفات و کمال عود نموده . پس حضرت مسیح فرمود این ایلیاست یعنی این شخص مظهر فیض و کمالات و اخلاق و صفات و فیوضات ایلیاست و یوحناى معمدان گفت من ایلیا نیستم حضرت مسیح نظر بصفات و کمالات و اخلاق و فیوضات هر دو داشتند و یوحناى نظر بماده و شخصیت خویش داشت . مثل این چراغ حاضر شب پیش بوده و امشب نیز روشن و شب آینده ایضاً لامع گوئیم که چراغ امشب همان سراج دیشب است و آن چراغ رجوع کرده مقصد نور است نه روغن و فتیل و شمعدان و این تفصیل در رساله ایقان مشروح و مفصل .